

مکتب رندان

دامان دوست تا به دل و جان گرفته ایم
سُکر مدام از لب جانان گرفته ایم

نور امید در دل تاریکمان دمید
تا شعله‌ای ز پرتو ایمان گرفته ایم

بیدار باش و عمر زکف رایگان مده
هر لحظه راز حکمت یزدان گرفته ایم

روزی اگر گذشت و به جان شادئی فزود
از چنگ روزگار به تاوان گرفته ایم

عمر گذشته را به کسی پس نمی دهند
این هدیه را به نقد تن و جان گرفته ایم

رفتیم گر به دست تهی در سرای دوست
عفوش ز لطف و مرحمت آسان گرفته ایم

مردانه وار ساغر بدرود سرکشیم
کاین جام شهد با لب خندان گرفته ایم

یاد وصال می زندم شعله‌ها به جان
دیری است تا که دامن نسیان گرفته ایم

در عمر خود رضا به رضای تو داده ایم
پندی است کان ز مکتب رندان گرفته ایم

رضا شاپوریان
یکشنبه ۲۰ سپتامبر ۱۹۹۸